

سر بازان کوچکی



بابا حسین چهار پسر داشت. نام پسر چهارمش عبدالله بود.
او خیلی کوچولو بود و دلش می خواست در بغل مادرش بخوابد و شیر بخورد.
بابا حسین برایش غصه می خورد. خورشید می خواست پشت ابرها برود تا گرما کمتر بشود و عبدالله کمتر
اذیت بشود.

بابا حسین او را بغل کرده بود تا آرامش کند. اما دشمن با پرتاب تیری او را شهید کرد.
خورشید دلش سوخت چون نمی توانست گریه کند.

منبع: کتاب پسران امام حسین (ع)

